ماجرای ریسمان‌هایی که پیش از بسته‌شدن باز می‌شود

پسری که در حرم پرواز کرد

رامونا میرحاجیان‌مقدم
گروه هیأت

خوش‌به‌حالش. پدرش کولش کرده بود. سرش را برگرداند. آب از گوشه لبش کش گرفته بود و چشمانش بی‌اختیار به این‌طرف و آن‌طرف می‌رفت. خوشم‌نیامد. حرکات دست‌وپایش هم عجیب بود. اصلا خیلی بزرگ‌تر از این حرف‌ها بود که یکی کولش کند. دست‌کم از منی که آن‌موقع ۵-۴ سال داشتم بزرگ‌تر بود. با او چشم در چشم شدم. نه لبخندی زد و نه حرکتی کرد. گردنش کج بود و سرش روی شانه خوابیده. اصلا حالت طبیعی نداشت. رویم را برگرداندم، اما از گوشه چشم نگاهش می‌کردم. انگار یک کنجکاوی بچگانه در من بیدار شده‌بود؛ می‌خواستم کشف کنم چرا این‌شکلی است. از طرفی ظاهرش را هم دوست نداشتم.

صدای نقاره‌خانه در حرم

او کول پدرش و من دست در دست مامان‌تاجی طول صحن حرم را طی می‌کردیم. سرعت‌مان یکی بود. مامان‌تاجی خیال نداشت من را بغل کند و من هم قرار نبود از لجبازی دست بردارم. آهسته قدم برمی‌داشتم، چون خسته بودم و دلم بغل می‌خواست؛ حالا هم که با دیدن آن پسربچه حسودی‌ام گل کرده‌بود. اما مامان‌تاجی گفته بود که باید روی پای خودم راه بروم. هی این پا و آن پا می‌کردم تا شاید دل مامان‌تاجی به رحم بیاید، ولی او هر چند قدم می‌ایستاد تا استراحت کنیم و دوباره راه می‌افتاد. ناگهان صدای نقاره‌خانه در حرم پیچید. مامان زیر لب زمزمه کرد «رضا رضا» و بازهم ایستاد. من نق‌زدم و گفتم: «اونو ببین! خیلی بزرگ‌تره ولی بغلش کردن!» مامان‌تاجی نگاهی به پیرمرد و پسری که روی کولش بود انداخت و گفت: «ان‌شاءالله شفای عاجل.» بعد رو به من خندید و گفت: «آنجا را ببین دخترم، تا پنجره فولاد چیزی نمانده!» لجم گرفت و گفتم: «من نمی‌تونم راه بیام! بغلم کن.»

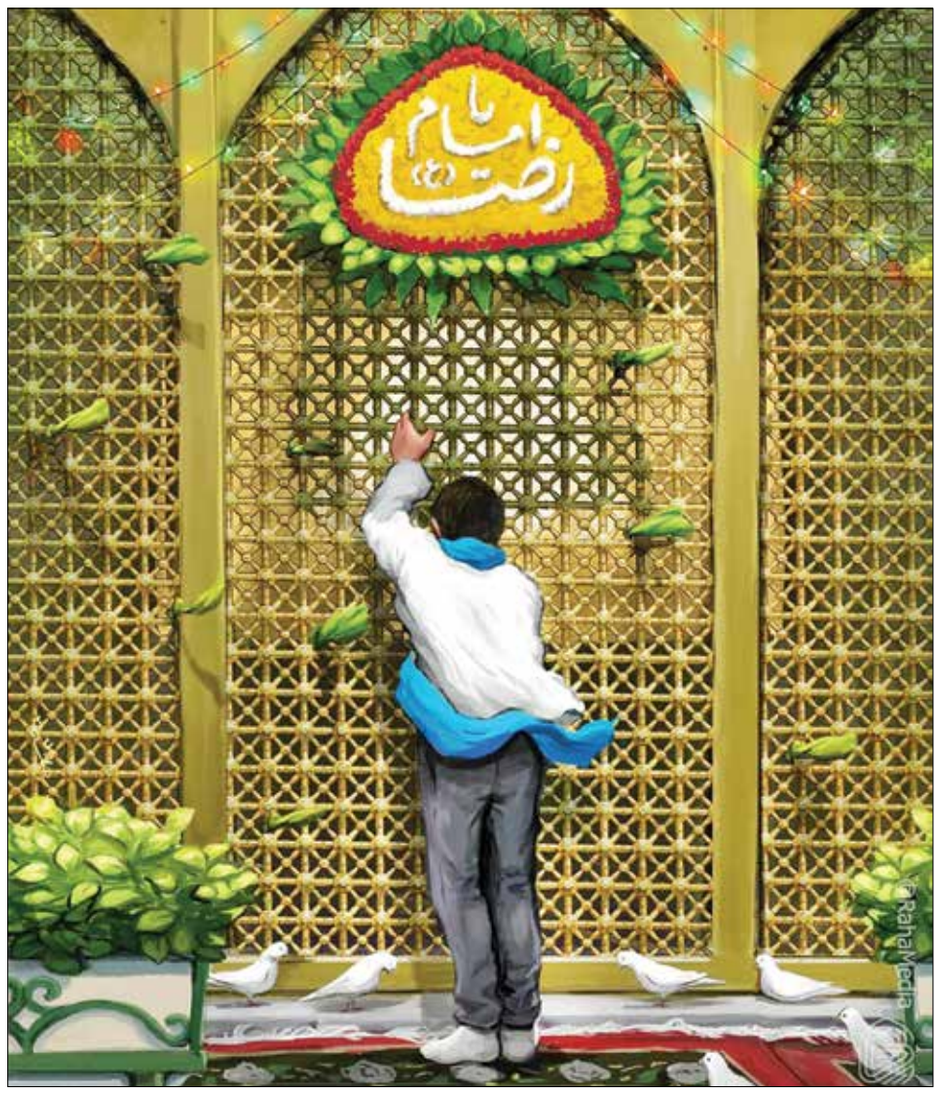
مامان‌تاجی چادر را روی سرش جابه‌جا کرد و آهی کشید و گفت: «تا نقاره‌زنی تموم بشه همین وسط استراحت کنیم.» بعد هم به گنبد نگاه کرد و گفت: «یا امام‌رضا تو وصی ما باش و شفای ما رو ... .» و بعد دستش را به کمرش کشید. تازه آن‌موقع یادم آمد که مامان‌تاجی از وقتی زمین خورده کمردرد شدید گرفته و برای همین من را بغل نمی‌کند. از خودم خجالت کشیدم. چرا بی‌خود اصرار کرده‌بودم؟! طفلک مامان‌تاجی. خواستم حواسش را پرت کنم. پرسیدم: «مامان کی نقاره می‌زنن؟» مامان گفت: «نزدیک غروب و طلوع آفتاب» گفتم: «پس الان که تموم شه دیگه تا صبح نمی‌زنن؟» گفت: «نه دخترم. فقط مگر این‌که اتفاق خاصی بیفته ....» و ادامه داد: «مثلا کسی شفا بگیره.» خودم می‌دانستم. قبلا پرسیده بودم، ولی می‌خواستم حواس مامان را پرت کنم. برای همین گفتم: «پس من دعا می‌کنم همه آدما تند تند شفا بگیرن.» مامان خندید. گفتم: «همه آدم مریضا.» مامان گفت: «همه به شفا نیاز دارن.» من آن‌موقع درست متوجه حرفش نشدم. فقط توی قلبم آرزو کردم مامان‌تاجی هم شفا بگیرد و کمرش خوب شود. صدای نقاره قطع شد و مامان‌تاجی راه افتاد. من هم دنبالش راه افتادم.

در شلوغی جمعیت گم شدند!

چند قدم بیشتر نرفته بودیم که باز با آن بچه و پدرش همقدم شدیم. نمی‌شد نگاه‌شان نکنم. چشمم مدام به پیرمرد و پسرش بود. دلم برای پدر می‌سوخت. سختش بود پسر را کول کند. تصمیمم را گرفتم. باید کاری می‌کردم و به آن پسر می‌گفتم از کول پدرش پایین بیاید وگرنه پدرش مثل مامان‌تاجی کمردرد می‌گیرد، اما دیر شده بود. صحن شلوغ بود و بین شلوغی جمعیت آن پیرمرد و پسرش را گم کردیم. به پنجره‌فولاد رسیدیم. آن سال‌ها، دهه ۶۰ را می‌گویم، جلوی پنجره‌فولاد فرش می‌انداختند و مردم اغلب همان نزدیک می‌نشستند. بعضی از آدم‌ها هم حال‌شان خوب نبود و مریض بودند. مامان می‌گفت آمده‌اند اینجا دخیل ببندند تا شفا بگیرند. نزدیک پنجره‌فولاد شدیم. ناگهان بین آن جمعیت چشمم به آن پدر و پسر افتاد. پدرش دست روی کمر گذاشته بود و مدام از مردم می‌پرسید: «پنجره‌فولاد همین است؟» همه می‌گفتند بله. اما انگار راضی نمی‌شد. از مامان‌تاجی هم پرسید. مامان جواب داد: «بله آقا! اینجا دخیل می‌بندن.» چشمان پیرمرد برق زد. انگار دنبال همین پاسخ بود. پسرش را به گوشه پنجره‌فولاد تکیه داد. رو به مامان گفت: «دخترم، چند دقیقه مراقب بچه من هستی؟ البته جایی نمی‌تونه بره، فلجه ....» مامان نگاهی به دور و بر انداخت. انگار نمی‌توانست قبول کند. پیرمرد ادامه داد: «فقط اندازه این‌که یک چیزی پیدا کنم. می‌خوام بچه‌مو دخیل کنم. دکترا جوابش کردن.» مامان تردید داشت. پیرمرد خم شد و لباس‌های پسربچه را مرتب کرد. گفت: «شنیدم باید بابه چیزی ببندمش به پنجره‌فولاد. این آخرین کاریه که میشه بکنم.» خادم حرم جلو آمد و گفت: «برو پدرجان! ما حواسمون بهش هست.» مامان هم سر تکان داد. پیرمرد نگاهی به پسرش انداخت و گفت: «کاش یه چیزی همراهم بود و مجبور نمی‌شدم تنهاش بذارم.» خادم گفت: «همین دم حرم چندتا مغازه هست که طناب و این جور چیزها دارن، نزدیکه، زود پیدا می‌کنی» پیرمرد چند قدمی دور شد، انگار دلش راضی نبود و دوباره برگشت. دستی به سر پسربچه کشید و دوباره رفت. به پسربچه نگاه کردم. گریه‌ام گرفت. چقدر حالش بد بود. حتی نمی‌توانست درست بنشیند. چند دقیقه‌ای نگذشته بود. فشار جمعیت من و مامان را به عقب هل داد. مامان نگران آن بچه بود و از دور او را می‌پایید و مرتب دعا می‌خواند.

پیرمرد برنگشت و پسربچه تنها ماند!

چند دقیقه گذشت، اما پیرمرد برنگشت. مامان مدام سرک می‌کشید تا پسربچه توی دیدش باشد. از جا بلند شدم. مامان‌تاجی پرسید: «کجا مامان جان؟ صحن شلوغه گم میشی.» شکلاتی که توی جیبم داشتم را درآوردم و گفتم: «برم اینو بدم بهش؟» مامان‌تاجی بغلم کرد و گفت: «قربون مهربونیت بشم. گمون نکنم بتونه شکلات رو بخوره.» چقدر غم‌انگیز، این‌که یک بچه نتواند شکلات بخورد خیلی بد است. از آن بدتر که این بچه نمی‌توانست روی پاهایش بایستد. به ایوان طلایی نگاه کردم و کبوترهایی که دم غروب به این طرف و آن‌طرف می‌پریدند. با خودم فکر کردم کاش خدا به این بچه دو بال بدهد. حداقل حالا که نمی‌تواند راه برود بتواند پرواز کند. جمعیت بیشتر می‌شد و بچه از حالت نشسته به حالت خوابیده درآمده بود. نگرانش شدم. اگر لگدش می‌کردند چه؟! خادم انگار صدای من را شنیده بود. بچه را بغل کرد و کنار کشید. طفلک حق‌داشت بغل باشد اصلا وضعیتش با من متفاوت بود. به مامان‌تاجی گفتم: «چرا باباش نمیاد؟» مامان‌تاجی کتاب دعا را ورق زد و گفت: «هنوز تازه رفته!» گفتم: «خیلی وقته که ....» مامان‌تاجی کاغذ کتابش را بالا گرفت و خندید و گفت: «هنوز یک صفحه هم نخواندم.» حتما راست می‌گفت. ولی زمان در نظر من کش آمده بود. نفسم سنگین شده‌بود. دلم نمی‌خواست بروم تو صحن دور بزنم و بازی کنم و فقط دوست داشتم بنشینم به آن بچه نگاه کنم. دلم می‌خواست زود حالش خوب شود تا با او توی صحن بدوم.



برش

صدایش همنوا با صدای نقاره‌خانه در صحن پیچید

در همین فکرها بودم که جمعیت جلوی دیدم را گرفت و یکدفعه صدای صلوات بلند شد. ترسیدم و از جا بلند شدم. پسربچه سر جایش نبود. مامان‌تاجی هم بلند شد و به سمت جمعیت رفتیم. آقای خادم پسربچه را بغل کرده‌بود و اشک می‌ریخت. صدای شیون و صلوات تمام صحن را پر کرد. پسربچه دیگر گردنش کج نبود، دست و پایش را حرکت می‌داد. مامان فریاد زد: «شفا گرفت! شفا گرفت» و صدایش در همهمه گم شد. خادم پسربچه را به آرامی زمین گذاشت. پسر چند قدمی برداشت. مردم دورش را گرفته بودند انگار تبرکی از جانب خدا بود. همان لحظه صدای فریادی از ابتدای صحن بلند شد. پدرش که ریسمان به‌دست آمده بود تا دخیلش کند، به سمت پسرک دوید و او را در آغوش کشید ... . اشک می‌ریخت ... . صدای شکرش در صدای نقاره‌خانه گم شد ....

نقاره می‌نواخت؛ گرنا به نشانه سلام به سمت گنبد بود و می‌خواند: «سلطان دنیا و عقبی، علی‌بن‌موسی‌الرضا.» پس‌نوازان جواب می‌دادند: «امام‌رضا» و گرنا دوباره می‌نواخت: «امام‌رضا» و این‌بار پس‌نوازان می‌نواختند: «غریب» و تکرار می‌شد: «مولا، مولا علی‌بن‌موسی‌الرضا»، «رضاجان» ....



شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

۱. مناقصه‌گزار: شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۷۱۲۲۱ ◄ ۲. شماره فراخوان در سامانه ستاد (www.setadiran.ir): ۲۰۰۴۰۹۴۸۴۲۰۰۰۰۹۲ ◄ ۳. موضوع مناقصه: خرید مقدار ۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلوگرم محلول کلرورفریک با درجه خلوص 3±40% مورد نیاز تصفیه‌خانه آب شماره۲و ۶ تهران ◄ ۴. الزامات شرکت در مناقصه: تولیدکنندگان داخلی و یا نمایندگان فروش رسمی آن‌ها ◄ ۵. محل تامین اعتبار: اعتبارات جاری (منابع داخلی) ◄ ۶. نحوه پرداخت: نقدی ◄ ۷. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار) (ریال): ۹،۴۲۰،۰۰۰،۰۰۰ (نه میلیارد و چهارصد و بیست میلیون) ریال: ◄ ۸. آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ ساعت ۱۲ ◄ ۹. آخرین مهلت بارگذاری پاکات (ارزیابی کیفی، الف، ب، ج) در سامانه ستاد: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ ساعت ۱۲ ◄ ۱۰. آخرین مهلت تحویل فیزیکی پاکت الف (تضمین شرکت در مناقصه) به دبیرخانه شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران به نشانی خیابان دکتر فاطمی، نبش خیابان حجاب: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ ساعت ۱۲ ◄ ۱۱. زمان بازگشایی پاکات (الف، ب، ج) از طریق سامانه ستاد: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ ساعت ۱۰ ◄ ۱۲. مکان بازگشایی پاکات (الف، ب، ج) از طریق سامانه ستاد: دفتر قراردادهای شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران به نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، نبش خیابان حجاب ◄ ۱۳. نشانی سایت‌های اینترنتی به شرح ذیل:

سایت این شرکت: (http://tww.tpww.ir)
سایت ملی مناقصات: (http://iets.mporg.ir)
سایت شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور: (http://www.nww.ir)

جهت کسب اطلاعات بیشتر به اوراق شرایط شرکت در مناقصه در سامانه ستاد مراجعه نمایید.

شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران (سهامی خاص)

شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران

نوبت دوم

آگهی مزایده عمومی

شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران درنظر دارد مزایده عمومی پیرامون فروش اقلام اسقاطی ضایعات به تفکیک در۸ (هشت) گروه شامل: آهن آلات، چدن اجناس آلو مینیومی، انواع کابل‌های مسی و آلومینیومی، انواع قطعات پلی اتیلن و یوپی وی سی، انواع الکتروموتور، پمپ و پوسته پمپ و اتائیه (یخچال، تلویزیون مانیتور و... و لاستیک مستعمل) با وضعیت موجود و اوزان تقریبی به شماره مزایده ۱۰۰۴۰۹۴۸۴۲۰۰۰۰۰۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید و کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده‌گزار از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند. ◄ ۱- مهلت و محل دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد: متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده از روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ تا ساعت ۱۲ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir اقدام نمایند. ◄ ۲- زمان بازدید و جلسه پرسش و پاسخ: شرکت‌کنندگان در مزایده باید وفق تبصره ۵ ماده ۱ اوراق شرایط مزایده از ساعت ۸ الی ۱۲ از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ (به جزء روزهای تعطیل) از اقلام موضوع مزایده واقع در تهران، بزرگراه محمد علی جناح، خیابان سازمان آب (روبروی درب جنوبی متروی صادقیه) مجتمع انبارهای ستادی شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران، بازدید به عمل آورند و در جلسه پرسش و پاسخ در ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ در دفتر قراردادهای شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران واقع در: خیابان دکتر فاطمی، شرکت تأمین و تصفیه آب و فاضلاب تهران، شرکت نمایند. ◄ ۳- مبلغ تضمین شرکت در مزایده: مطابق مبلغ تعیین شده برای هریک از گروه‌های موضوع مزایده در سامانه ستاد ایران به یکی از انواع ذیل می‌باشد: ◄ واریز نقدی از طریق یکی از بانک‌های مجاز مورد تائید بانک مرکزی و یا واریز از طریق سامانه ستاد ایران به حساب شماره ۳۰۰۸۱۱۱۵۲۸۷۱۲۰۴ و شماره شبا IR۴۴۰۶۰۳۰۰۸۰۱۱۱۵۲۸۷۱۲۰۰۴ نزد بانک قرض الحسنه مهر ایران شعبه آذربایجان کد ۳۰۰۸ به‌نام شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران ◄ ۴- زمان و محل ارائه تضمین شرکت در مزایده: متقاضیان شرکت در مزایده باید تصویر سپرده شرکت در مزایده (به تفکیک هر گروه از اقلام مزایده) شامل واریز از طریق بانک را در سامانه تدارکات الکترونیک دولت بارگذاری و ثبت نمایند و فیزیک و اصل فیش را تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ به دبیرخانه مرکزی این شرکت به نشانی: تهران خیابان دکتر فاطمی، خیابان حجاب، شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران تحویل و رسید دریافت نمایند. ◄ ۵- مهلت و محل تحویل پیشنهادها در سامانه ستاد: متقاضیان شرکت در مزایده باید کلیه مدارک مربوط به پاکات (الف و ب و پیشنهاد قیمت را در قسمت سامانه ستاد ایران) حداکثر تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری و ثبت نمایند. ◄ ۶- زمان و محل گشایش پیشنهادها در سامانه ستاد: ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ در دفتر قراردادها ◄ ۷- هزینه درج آگهی مزایده بر عهده مزایده‌گزار می‌باشد. ◄ ۸- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶-۲۱. ◄ ۹- نشانی سایت‌های اینترنتی به شرح ذیل: سایت این شرکت: (http://tww.tpww.ir) سایت ملی مناقصات/مزایده: (http://iets.mporg.ir) سایت شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور: (http://www.nww.ir)

شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران (سهامی خاص)

مناقصه عمومی نوبت اول

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) موسسه شهید رجایی

در نظر دارد بخشی از عملیات خاکبرداری به گود مجاز در بزرگراه یادگار امام (ره)، پروژه احداث شاخه غربی بزرگراه یادگار امام (ره) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی برون‌سپاری نماید.

موسسه شهید رجایی

لذا از پیمانکاران واجد صلاحیت دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس: تهران، بزرگراه فتح، میدان فتح، واحد امور پیمان‌ها مراجعه یا با شماره تلفن ۰۹۱۲۷۰۹۴۴۹۱ (مهندس کیخسروی) در ساعات اداری تماس حاصل نمایند.

◄ مهلت دریافت و بازگشت اسناد مناقصه: تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ می‌باشد.

◄ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۳،۶۲۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال مطابق با آیین‌نامه تضامین دولتی می‌باشد.

◄ پیمانکاران می بایست جهت دریافت اسناد معرفی‌نامه ارائه نمایند.

◄ نحوه پرداخت به پیمانکار به صورت ۳۰ درصد نقدی و ۷۰ درصد غیر نقدی و تهاتر با املاک و مستغلات می‌باشد.

◄ هزینه چاپ آگهی مناقصه در روزنامه، بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

SHAHID RAJAIE SPECIAL INSTITUTE

آگهی مناقصه عمومی نوبت اول

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) موسسه شهید رجایی

در نظر دارد بخشی از عملیات خاکبرداری به گود مجاز در میدان فتح، پروژه احداث شاخه غربی بزرگراه یادگار امام (ره) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی برون‌سپاری نماید.

موسسه شهید رجایی

لذا از پیمانکاران واجد صلاحیت دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس: تهران، بزرگراه فتح، میدان فتح، واحد امور پیمان‌ها مراجعه یا با شماره تلفن ۰۹۱۲۷۰۹۴۴۹۱ (مهندس کیخسروی) در ساعات اداری تماس حاصل نمایند.

◄ مهلت دریافت و بازگشت اسناد مناقصه: تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ می‌باشد.

◄ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۹/۷۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال مطابق با آیین‌نامه تضامین دولتی می‌باشد.

◄ پیمانکاران می‌بایست جهت دریافت اسناد معرفی‌نامه ارائه نمایند.

◄ نحوه پرداخت به پیمانکار به صورت ۳۰ درصد نقدی و ۷۰ درصد غیرنقدی و تهاتر با املاک و مستغلات می‌باشد.

◄ هزینه چاپ آگهی مناقصه در روزنامه، بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی تجدید مناقصه عمومی بین المللی یک مرحله ای

شرکت خدمات حمایتی کشاورزی

وزارت جهاد کشاورزی

شماره ۱۴۷۹۶/ ۵۵/۴ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ نوبت اول

شرکت خدمات حمایتی کشاورزی

شرکت خدمات حمایتی کشاورزی وابسته به وزارت جهادکشاورزی در نظر دارد ۴ قلم تکنیکال سموم به شرح ذیل را از طریق برگزاری تجدید مناقصه عمومی بین‌المللی یک مرحله‌ای خریداری نماید:

ردیف	نام تکنیکال	بسته‌بندی	مقدار/ کیلوگرم
۱	کارتاپ حداقل ۹۸٪	بشکه ۲۵ کیلویی یا ۵۰ کیلویی مقوایی عایق آب	۴۰،۰۰۰
۲	پروپارژیت حداقل ۹۰٪	بشکه ۲۰۰ کیلویی	۹۶،۰۰۰
۳	دلتامترین حداقل ۹۸/۵٪	بشکه ۵۰ کیلویی	۳،۷۰۰
۴	نمک ایزوپروپیل آمین گلیفوزیت ۶۲٪	بشکه ۲۰۰ کیلویی یا ۲۵۰ کیلویی	۸۰،۰۰۰

◄ لذا از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ (۴ روز کاری) با در دست داشتن معرفی‌نامه و ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال در وجه شرکت خدمات حمایتی کشاورزی به شماره حساب ۴۰۰۱۰۳۹۷۰۴۰۰۵۷۹۱ (به شماره شبا IR۲۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۷۰۴۰۰۵۷۹۱) نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت شناسه شماره ۳۳۹۰۳۹۷۸۲۲۶۳۵۰۰۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰۸ از طریق دستور پرداخت ساتنا یا پایا به‌نام شرکت خدمات حمایتی کشاورزی به آدرس: تهران، خیابان گاندی، کوچه چهارم، شماره ۱، طبقه نهم، دفتر کمیسیون معاملات مراجعه نمایند.

◄ ضمنا آخرین مهلت ارائه پیشنهادات حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ به اداره حراست شرکت واقع در طبقه هشتم می‌باشد.

◄ بازگشایی پاکت‌های پیشنهادی نیز در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ هجری شمسی راس ساعت ۱۴ در آدرس فوق الذکر خواهد بود.

◄ تضمین بانکی شرکت در فرآیند ارجاع کار به شرح ذیل می‌بایست صرفا توسط پیشنهاددهندگان ارائه گردد:

۱- ۳۰۵۰۶/۸۸ یورو برای تکنیکال کارتاپ حداقل ۹۸٪ معادل ۲۴،۹۲۳،۵۶۸،۰۰۰ ریال

۲- ۳۶۴۰۲/۸۶ یورو برای تکنیکال پروپارژیت حداقل ۹۰٪ معادل ۲۹،۷۴۰،۴۸۱،۲۸۰ ریال

۳- ۱۰۱۱۰/۲۵ یورو برای تکنیکال دلتامترین حداقل ۹۸/۵٪ معادل ۸،۲۵۹،۸۹۲،۲۶۶ ریال

۴- ۱۰۴۷۵/۹۵ یورو برای تکنیکال نمک ایزوپروپیل آمین گلیفوزیت ۶۲٪ معادل ۸،۵۵۸،۶۵۹،۲۰۰ ریال

◄ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ارائه شده از سوی شرکت‌کنندگان خارجی می‌بایست به صورت یورو و یا هر ارزی دیگری به غیر از دلار آمریکا و بر اساس نرخ حواله در سامانه معاملات الکترونیکی ارز (ETS) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس www.fxmarketrate.cbi.ir در تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ ارائه گردد.

◄ شرکت پیشنهاددهنده در مناقصه مجاز می‌باشد تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار را به صورت ریالی نیز مستقر نماید.

◄ شرکت پیشنهاددهنده مجاز می‌باشد از مطالبات قبلی و قطعی خود نزد این شرکت به‌عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار، پس از تائید مدیر مالی این شرکت استفاده نماید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید ضمن تماس با شماره تلفن ۸۸۷۷۶۳۲۵ به آدرس اینترنتی شرکت www.assc.ir آدرس پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir نیز مراجعه فرمائید.

شناسه ۲۰۱۶۸۴۷ شماره م. الف ۲۴۹۴

روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی

سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم

۴۹۱۰۵۰۰۰